

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرخه، سرماخوردگی، و... باعث گیجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

تزریق واکسن مننژیت به ۸۱ هزار نفر از زائران بیت‌الله الحرام

معاون بهداشت، درمان و توانبخشی جمعیت هلال احمر از تزریق ۸۱ هزار دوز واکسن مننژیت به زائران خانه خدا توسط عوامل این معاونت خبر داد. حسن صفاریه با اشاره به فعالیت مراکز واکسیناسیون کشوری جهت ارائه خدمات به زائران خانه خدا در حج تمتع امسال، اظهار داشت: «معاونت بهداشت، درمان و توانبخشی جمعیت هلال احمر هر ساله متولی انجام واکسیناسیون حجاج ایرانی بوده و مسئولیت آن بر عهده عوامل این معاونت است.» وی ادامه داد: «امسال نیز واکسیناسیون حجاج علاوه بر مراکز واکسیناسیون جمعیت هلال احمر، توسط کارشناسان اعزامی به اماکن مختلف مانند مساجد و سازمان های کشوری انجام شد.» معاون بهداشت، درمان و توانبخشی جمعیت هلال احمر توضیح داد: «در سال جاری ۸۱ هزار نفر از زائران خانه خدا با مراجعه به مراکز واکسیناسیون جمعیت هلال احمر در سطح کشور، واکسینه شدند.» صفاریه اضافه کرد: «زائران ایرانی سرزمین وحی با دریافت واکسن مننژیت در مقابل این بیماری که یک عارضه باکتریایی حاد با علائم تب، سردرد، تهوع و استفراغ، انقباض عضلات گردن و بیثورات جلدی است، واکسینه شده‌اند.»

نقش موثر جمعیت هلال احمر در جنگ تحمیلی

از تأمین تجهیزات دارویی در دوران جنگ تا همکاری با صلیب سرخ جهانی برای تبادل اسرا

شهروند | ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ نخستین گروه آزادگان ایرانی پس از سال‌ها اسارت در زندان‌های رژیم بعث عراق با ورود به کشور به جمع خانواده‌های خود بازگشتند. این رویداد دوهفته پس از اشغال نظامی کویت توسط ارتش صدام و ۲ روز پس از آن صورت گرفت که صدام نام‌های به هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران بار دیگر عهدنامه ۱۹۷۵ الجزیره را پذیرفت و نسبت به شرایط ایران برای پایان جنگ تسلیم شد و از جمله قول عقب‌نشینی از مرزهای ایران و آزادسازی اسیران ایرانی را داد. اما یک‌سری از اسرای جنگ که در شرایط خاص بودند، سال‌های اول دهه ۶۰ با تلاش بی‌طرفانه جمعیت هلال احمر ایران و صلیب سرخ جهانی بین دو کشور مبادله شدند. اسرایی که مجروح و اسیر شده بودند و خانواده‌های بیشتر آنها از سرنوشت عزیزشان بی‌اطلاع بودند. در این میان نقش موثر امدادگران هلال احمر و

خروج از هواپیما به داخل کمپ هدایت شدند. آن لحظه به بعد دیگر اسرا فهمیدند که ما ایرانی هستیم و ارتباط کلامی آغاز شد؛ با چشمانی گودرفته و خنده‌هایی تلخ، بدن عرق کرده و استخوان‌هایی که قابل شمردن بودند، به زور راه می‌رفتند و برخی از ناحیه پا پشندت آسیب‌دیده بودند. چند نفر از آنها اصلا حرف نمی‌زدند. فشردن دست‌ها، شوخی و خنده و عکس یادگاری و هر کاری که برای ارتباط لازم بود و فکر می‌کردیم می‌تواند آنها را از آن حال و هواد بریارود، انجام دادیم. پس از تأیید خروج آخرین فرد، هواپیمای عراقی از محل دور و دوباره هواپیمای ایرانی در کنار کمپ هلال احمر مستقر شد. اسناد اطلاعات هویتی توسط مقامات تحویل داده شده و سفیر ایران و مقامات هلال احمر ترکیه یک به یک با اسرا خوش و بش کرده و با هماهنگی همه اسرا توسط تیم امدادی سوار هواپیما شدند.

• از وضع اسرای آزاد شده بیشتر بر امان می‌گویید؛ چرا تعدادی از آنها حرف نمی‌زدند؟

وقتی وارد هواپیمای ایران ایر شدند فهمیدیم که انسان چه دل و جرأت و جسارتی داشتند. هر کدام از آنها ده‌ها شماره تلفن از دوستانشان را حفظ کرده بودند و می‌خواستند سرعت روی کاغذ بنویسند و به ما بدهند که به خانواده آنها خبر زنده بودن و سلامتشان را بدهیم. آنها نمی‌خواستند با حرف زدن شماره‌ها را از یاد ببرند. اداره مفقودین و اسرای جمعیت هلال احمر در طول جنگ تحمیلی با همت یک تیم زنده‌یاب سرپرستی مرحوم خانم افرا کار تبادل میلیون‌ها نامه اسرای ایرانی و خانواده‌هایشان را بر عهده داشت. اما انتقال شماره تلفن‌ها از این طریق بسیار عجیب و در نوع خود جدید بود.

• در طول پرواز بازگشت تا ایران چه گذشت؟

خلیجان و سرمیهماندار ورود میهمانان جدید را تبریک گفتند، انرژی زایدالوصوفی در هواپیما موج می‌زد؛ همه در تکاپو بودند که اسرا راحت باشند. میهمانداران پرواز بهترین هنر خود را در تهیه غذای گرم به کار بردند تا به نحو شایسته‌ای از اسرا پذیرایی کنند اما دریغ از اشتباهی برای خوردن، وقتی چند سال روزانه یک وعده غذای بی‌کیفیت خورده باشی حتی بوی غذا هم می‌تواند ناگوار باشد. با لیخنندگی تشکر می‌کردند ولی دست به غذا نمی‌زدند. این‌جا بود که وضع روحی میهمانداران به هم خورد؛ در محل کترینگ هواپیما همه گریه می‌کردند، کار محالاً بیشتر شده بود تا آنها را هم آرام کنیم. دقایقی بعد از این که وارد آسمان ایران شدیم دو فرزند جنگنده نیروی هوایی ایران برای اسکورت در کنار هواپیما قرار گرفتند صحنه‌ای که تا آن موقع هیچ‌گاه تجربه نکرده بودیم.

• این اسکورت شما را نترساند؟

بدون شکر در ابتدا نگران شدیم اما خلیجان به‌سرعت به همه اطمینان داد که این اقدام هماهنگ شده بوده و خلیجان جنگنده‌ها از وضع مسافران هواپیما اطلاع داشتند و در نزدیکترین فاصله با هواپیما برای اسرا دست تکان می‌دادند. این برنامه تا نزدیک تهران ادامه داشت. در تهران برنامه استقبال رسمی با حضور مقامات کشوری و نظامی تدارک دیده شده بود. اسرای معلول و مجروح ایرانی، پس از سال‌ها اسارت در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق به ایران بازگشتند و مورد استقبال مردم قرار گرفتند و پس از مراسم به بیمارستان برای مراقبت‌های درمانی بیشتر منتقل شدند.

• جمعیت هلال احمر در ادامه هم مأموریت تبادل اسرا را بر عهده داشت؟

بله در چندین نوبت از سال ۶۸ تا ۶۰ به همین روش اسرا به تهران آورده شدند و کار مادر یافت و انتقال اسرا به مراکز درمانی و کنترل سلامت آنها بود. در طول این سال‌ها همیشه رویای تبادل بزرگ اسرا را داشتیم و بسته شدن این پرونده! همواره تدارک یک برنامه فرضی با تعداد زیادی از اسرا را تصور کرده و جزئیات آن را مرور می‌کردیم تا مرداد سال ۱۳۶۹ که تحقق این رویا به بزرگترین عملیات انتقال آزادگان به کشور منجر شد. ایامی که شادی در همه شهرها موج می‌زد و خانواده‌هایی خوشحال از بازگشت فرزندانشان خاطراتی خوش را در تاریخ این مرز و بوم به جای گذاشتند. تیم‌های هلال احمر نه تنها در شرایط اضطراری مانند زمین‌لرزه، حوادث جاده‌ای، بحران مهاجرت و بیماری‌های همه‌گیر به کمک افرادی آمد، بلکه برای روزهایی این چنین هم آماده‌اند.

• عکس یا تصویر ثبت شده‌ای از آن روزها دیده‌اید؟

بله؛ تصادفاً خیردار شدم؛ مهر ماه سال ۱۳۹۷ مراسم افتتاح نمایشگاه عکس آزادی اسرای جنگ ایران و عراق (که توسط صلیب سرخ برای اولین بار در ایران به نمایش درآمد) با حضور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و مارک آخرین معاون دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران در موزه هلال احمر برگزار شده که چند عکس از فعالیت‌های آن زمان به نمایش در آمده‌است.



شهریار مزید آبادی، امدادگر پیشکسوت هلال احمر در گفت‌وگو با «شهروند» از روزهای پر تکاپوی تبادل اسرای جنگ تحمیلی می‌گوید

چشمان گودرفته خنده‌های تلخ و هزاران حرف نگفته

روایت امدادگر جمعیت هلال احمر از روزهایی که همه چشم انتظار عزیز گمشده‌شان بودند

• از طرف دولت ایران افراد دیگری هم با شما بودند؟

نمایندگان وزارت امور خارجه، سفیر ایران در ترکیه و مقامات کنسولی و نماینده صلیب سرخ در ایران که کار هماهنگی با نمایندگان هلال احمر ترکیه را انجام می‌دادند.

• رفتار مقامات ترکیه چگونه بود؟

با توجه به اصل بیطرفی و وساطت هلال احمر ترکیه برای این تبادل، رفتار بسیار دوستانه همراه با میهمان‌نوازی را با هر دو طرف داشتند و یک در مانگاه با تجهیزات در فرودگاه مستقر کرده بودند تا اسرا قبل از تحویل مورد معاینه قرار بگیرند. البته ما نیز با تجهیزات کمک‌های اولیه مجهزی رفته بودیم که در



شهروند | خاطراتش آن قدر هست که صدها صفحه کتاب هم کفاف آن همه حکایت و روایت از چشم انتظار و ایثار را نمی‌دهد. داستان بهجت افرا، از معلمی در سن نوجوانی در زادگاهش جهرم و سپس شیراز شروع می‌شود؛ معلمی که حکایت و مسلک زندگی‌اش، به واقع درسی است پر از نکته. روایت اصلی زندگی این بانو اما در جنگ تحمیلی و نقش‌ش در دفاع مقدس از لقبش شروع می‌شود. «ام‌الاسرا» لقبی که توسط مرحوم سیدعلی اکبر ابوترابی انتخاب شد. این لقب از آن‌جا آمده که این

درباره بهجت افرا، مسئول اداره مفقودین و اسرای جمعیت هلال احمر

بانویی که امید چشم‌های منتظر بود

بانو ۱۸ سال تمام پناه و امین خانواده اسرا شده بود. خودش تعریف می‌کند آن زمان در سال‌های آغازین دفاع مقدس، اداره مفقودین و اسرای هلال احمر تأسیس شد و مسئولیتش به من پیشنهاد شد؛ «وقتی شنیدم کار در زمینه هلال احمر و کمک به خانواده‌های مفقودین و اسراست، همان‌جا تصمیمم را گرفتم و موافقتم را اعلام کردم.» بهجت افرا بعد از بازنشستگی از

شهید بودن جگر گوشه‌شان نداشتند، اداره مفقودین و اسرای هلال احمر به مدیریت این بانوی محترمه، قریب به ۶ میلیون نامه و فرم جست‌وجو بین اسرا و مفقودین و خانواده‌های چشم‌انتظار ردوبدل می‌کند. بانو بهجت افرا تا پایان سال ۱۳۸۰ در این اداره خدمت کرد و بعد از ۱۸ سال خدمت شبانه‌روزی در زمربانوان مبارز پیشکسوت قرار گرفت. این بانوی تأثیرگذار ۲۲ دی ماه ۱۳۹۷ در ۸۵ سالگی چشمم از جهان فرو بست؛ بهجت افرا اما برای همیشه در تاریخ فداکاری این مرزوبوم زنده خواهد بود.

